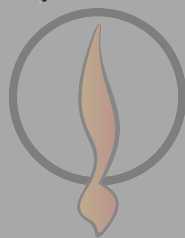


عبدالامير

ویژه نامه بیست و سومین سال یاد شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری

بخش اول



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۶

مقالات

مزاری، شهید وحدت ملی و مردم



دکتر محمد امین احمدی
رئیس دانشگاه ابن سینا

خصوصیات دست کم در نزد اکثریت مردم خویش از او مجاهدی نستوه، رهبری شجاع و با خصوصیتی کم و بیش کارزماتیک ساخت.

شهادت مظلومانه وی درست در فردای پیروزی جهاد مشترک مردم افغانستان و در موقعیتی که مزاری به صدای مردم خویش و بخش‌های فراموش شده جامعه تبدیل شده بود، خود نوعی سرکوب، رنج عمیق و دردناک در سلسله محرومیت، سرکوب و رنج تاریخی هزاره‌ها به حساب آمد و چون نمادی از مظلومیت و مقاومت در حافظه و آگاهی جمعی مردم خویش جای گرفت. به این ترتیب مزاری تاریخی در حافظه و آگاهی جمعی هزاره‌ها شخصیت نمادین یافت. مزاری اکنون برای مردم خویش به نمادی از خودآگاهی جمعی، مبارزه برای عدالت و برابری، رهبری قوی، موثر و فداکار، تحقق زمانی و مکانی یافته است.

به نظر اینجانب در بازخوانی و تحلیل این پدیده از منظر هزاره‌ها به عنوان مردمی که مزاری برای آنها به نمادی از

در این جا می‌خواهم به اختصار به دو نکته اساسی در مورد شهید مزاری اشاره کنم:

نکته نخست کوشش می‌کند جایگاه بی‌بدیلی که شهید مزاری در میان مردم خویش به دست آورده را توضیح دهد. نکته دوم کوشش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که چگونه و چه چیزی از شهید مزاری شهید وحدت ملی ساخته است، و به عبارت دیگر چگونه شهید مزاری که قهرمان و اسطوره هزاره‌ها محسوب می‌شود می‌تواند شهید وحدت ملی باشد؟

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴

نکته اول

به لحاظ تاریخی نمی‌توان انکار کرد که شهید مزاری در سر، آرمانی بزرگ داشت و در راه آرمان خود مبارزی خستگی ناپذیر، مردی پولادین و دارای اراده استوار، پارسا و زاهدمنش بود و در راه رسیدن به آرمان خود خستگی نمی‌شناخت و تا پای جان در راه هدف خویش ایستادگی کرد. این

شهادت مظلومانه وی درست در فردای پیروزی جهاد مشترک مردم افغانستان و در موقعیتی که مزاری به صدای مردم خویش و بخش‌های فراموش شده جامعه تبدیل شده بود، خود نوعی سرکوب، رنج عمیق و دردناک در سلسله محرومیت، سرکوب و رنج تاریخی هزاره‌ها به حساب آمد و چون نمادی از مظلومیت و مقاومت در حافظه و آگاهی جمعی مردم خویش جای گرفت.

اساس فضایل اکتسابی‌شان برابر و میسر کند و حاصل مشارکت آن تعداد اندک در قدرت باید به چنین نتیجه‌ای بینجامد.

ج ○ لازمهٔ عدالت به مثابه یک فضیلت فردی که رهبران اجتماعی و سیاسی جامعهٔ عدالت‌خواه باید از آن برخوردار باشد، ساده‌زیستی و دوری از اسراف است. فرهنگ شدن سطحی بسیار مرفه از زندگی در دریایی از فقر فراگیر در جامعه، برای تعدادی خاص که نمادی وحشتناک از فاصله طبقاتی به شمار آید، چیزی نیست که با عدالت‌خواهی سازگار باشد.

نکته دوم

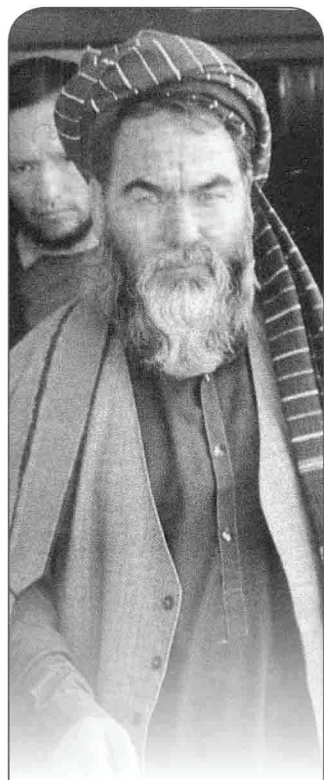
در این خصوص باید گفت که مهم‌ترین میراث سیاسی شهید مزاری، عدالت‌خواهی او و دفاع از هویت‌های سرکوب شده است. که هر دو به نقد گذشته و بازسازی مناسبات جدید از جمله بازسازی هویت ملی بر اساس عدالت به مثابه یک فضیلت اجتماعی، می‌انجامد. عدالت به این معنا و مفهوم متحد‌کننده است. در واقع شهید مزاری از جمله معدود رهبرانی است که از خود میراث سیاسی برجای گذاشته است؛ مهم‌ترین میراث سیاسی او عدالت‌طلبی او برای همه و مقابله با سیاست حذف است که یکی از شواهد روشن آن سخنان او با حقانی از فرماندهان جهادی در دفاع از جنبش ملی است. این میراث سیاسی از او می‌تواند حقیقتاً بدون تعارف سیاسی، شهید وحدت ملی بسازد. دقیقاً در همین راستا است که فدرال‌خواهان امروزی به طرح تشکیل دولت فدرال او رجوع می‌کنند و آن را ابزاری برای کنترل و توزیع عادلانه قدرت ملی می‌دانند.

فضایل انسانی و خودآگاهی جمعی‌شان تبدیل شده است، در نظر داشتن چند نکته که در واقع میراث سیاسی شهید مزاری را تشکیل می‌دهند از اهمیت به سزایی برخوردارند:

الف ○ یکی از دشوارترین و به همان نسبت تاریخی‌ترین تصمیم مزاری طرح هویت هزارگی بود. مشکل این طرح از آن جا ناشی می‌شد که این نوع خودآگاهی جمعی، در جامعه‌ای که خودآگاهی و هویت دینی و مذهبی فراگیر و «همه چیز شمول» بود و در ناسیونالیزم ملی رسمی نیز جایی نداشت، شدیداً خلاف آمد عادت و قدرت بوده و در نتیجه طرد و سرکوب می‌شد. لکن این طرح، و آگاهی جمعی ناشی از آن، برای برقراری عدالت و برابری بدون این که در ورطه فرقه‌گرایی سقوط کند لازم بود. این خودآگاهی مشروعیت خود را از دو منبع به دست می‌آورد:

یکم مبارزه برای عدالت و برابری. دوم، حق فرد برای داشتن هویت، حقوق و آزادی‌های دینی، مذهبی، ملی و قومی. در واقع با این دو خصوصیت، از نژادپرستی متمایز می‌گردد و به فرد حق می‌دهد که خودآگاهی قومی و ملی او سرکوب نشود و دین نیز اصولاً نباید این نوع خودآگاهی را سرکوب کند.

ب ○ عدالت به مثابه یک فضیلت اجتماعی که نهادها و فرایندهای اساسی جامعه از آن برخوردار باشند، نباید در حد مشارکت تعدادی اندکی در قدرت به نمایندگی از یک قوم، تقلیل داده شود. عدالت وقتی محقق می‌شود که نهادها و فرایندهای اساسی آن از جمله ساختار قدرت، دسترسی به فرصت‌ها و منابع، تأثیرگذاری و مشارکت در تعیین سیاست‌های عمومی را برای همگان بر



۶۶

یکی از دشوارترین و به همان نسبت تاریخی‌ترین تصمیم مزاری طرح هویت هزارگی بود. مشکل این طرح از آن جا ناشی می‌شد که این نوع خودآگاهی جمعی، در جامعه‌ای که خودآگاهی و هویت دینی و مذهبی فراگیر و «همه چیز شمول» بود و در ناسیونالیزم ملی رسمی نیز جایی نداشت، شدیداً خلاف آمد عادت و قدرت بوده و در نتیجه طرد و سرکوب می‌شد.

۹۹